

صبح صادق فرازهای مهم مجلس نهم را نقد و بررسی می کند

اعتماد به برجام بی اعتمادی به اصحاب فتنه

علی قاسمی

برجام در مجلس

پس از چند دوره گفت‌وگو بین وزرای خارجه و معاونان آنها، سرانجام سند نهایی مذاکرات هسته‌ای در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۲ با عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» در وین اتریش بین ایران و گروه ۱+۵ منعقد شد. به دنبال دستیابی به توافق، دولت و مسئولان دولتی بارها از عدم الزام تصویب برجام در مجلس سخن گفتند. اما مجلس از دولت درخواست لایحه‌ای برای برجام کرد. هر چند دولت این کار را به صلاح نمی‌دانست، ولی رئیس مجلس معتقد بود: «در موضوع برجام چون تعهداتی را دولت ایران برعهده می‌گیرد، این یک موافقتنامه است و طبق قانون اساسی باید برای تصویب به مجلس بیاید، یعنی در واقع ما به اسم آن کار نداریم و به محتوا کار داریم و به نظر من باید در این زمینه موضوع به صورت لایحه به مجلس ارائه شود و مورد بررسی و رأی گیری قرار گیرد.» تا اینکه رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) در بیاناتی بیان کردند: «به مصلحت نیست مجلس در بررسی برجام کنار گذارده شود؛ درباره برجام نمایندگان مجلس باید تصمیم بگیرند». کمیسیون با ۱۵ عضو به نام «کمیسیون ویژه برجام» در مجلس شکل گرفت. این کمیسیون در مدت فعالیت خود با دعوت از مذاکره‌کنندگان فعلی و قبلی و همچنین برخی از مسئولان و کارشناسان، به طور دقیق برجام را بررسی کرد. پس از ۴۰ روز فعالیت کمیسیون ویژه و فاجعه‌آمیز دانستن اجرای برجام، در نهایت رئیس مجلس در ۲۱ مهرماه دفاع جانانه‌ای از طرح داشت و مانع آن شد که مخالفان بتوانند نظرات خود را به



تولید اشاره کرد که مورد اخیر کلیدی‌ترین مصوبه مجلس نهم بوده است.

مجلس نهم و اقتصاد مقاومتی

پس از ابلاغ سیاست‌های ۲۴ بندی اقتصاد مقاومتی در روز ۲۹ بهمن ۹۲ از سوی رهبر معظم انقلاب، نمایندگان مجلس هم مانند سایر مجموعه‌های نظام موظف و مکلف به اجرا و اعمال این سیاست‌ها شدند. اولین و مهم‌ترین وظیفه مجلس تدوین قوانین جدید با رویکرد اقتصاد مقاومتی بود. عملکرد مجلس نهم در زمینه اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد، اولویت مهم خود را برای تحقق این سیاست‌ها، «شناسایی قوانین متعارض با اقتصاد مقاومتی» قرار داده است. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که شناسایی این قوانین در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انجام و نتایج آن به کمیسیون‌های تخصصی ابلاغ شده است. اگرچه قوانین در این زمینه زیاد است، اما دغدغه و روح حاکم بر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در مجلس، توجه به تولید ملی است. نظر نمایندگان مجلس این است که باید محورهایی، همچون استفاده از ظرفیت‌های داخلی، تنوع در صادرات، محور بودن تولید و جلوگیری از خام‌فروشی و مسائلی از این قبیل عملیاتی شود. همچنین، به دنبال رد کلیات لایحه برنامه ششم در کمیسیون اقتصادی مجلس، اعضای این کمیسیون توجه نکردن به اقتصاد مقاومتی را از دلایل ردّ این لایحه بیان کردند. افزون بر این، بی‌توجهی به اقتصاد دانش‌بنیان و سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در لایحه برنامه ششم از دلایلی بود که کمیسیون اقتصادی به کلیات آن رأی نداد. معاون قوانین مجلس در گزارش عملکرد این معاونت در دوره نهم، ضمن تأکید بر اولویت قرار دادن بررسی وظایف ابلاغی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: به دستور رئیس مجلس تاکنون در مجلس نهم در سه جلسه کاری وظایف

تولید اشاره کرد که مورد اخیر کلیدی‌ترین مصوبه مجلس نهم بوده است.

رئیس مجلس بدون در نظر گرفتن

دغدغه‌های گزارش کمیسیون ویژه دفاع

جانانه‌ای از برجام داشت و مانع آن شد

که مخالفان بتوانند نظرات خود را به طور

کامل بیان کنند و کلیات طرح برجام را رأی

شکننده ۱۳۹ رأی موافق به تصویب رسید

طور کامل بیان کنند و بدون در نظر گرفتن دغدغه‌های گزارش کمیسیون ویژه، سرانجام کلیات طرح برجام با رأی شکننده ۱۳۹ رأی موافق و ۱۰۰ رأی مخالف در مجلس رأی آورد.

تصویب قوانین خوب اقتصادی

نمایندگان مجلس نهم در حوزه اقتصاد عملکردی، قوانین اقتصادی زیادی را به تصویب رسانده‌اند یا در دست تصویب دارند که ارزش و اهمیت بالایی دارند؛ در این زمینه باید به تصویب بیش از ۲۰ فقره موافقتنامه دو یا چندجانبه، اصلاح برخی مواد قانون مناطق آزاد و منطقه ویژه اقتصادی در قالب سه لایحه

مجزا، اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم بر ارزش افزوده، اصلاح قوانین در حوزه بیمه، تصویب طرح زکات، تصویب لایحه توسعه ابزارها و نهادهای جدید و بررسی لایحه نظام صنفی، تصویب لویح بودجه سنسنواتی، اصلاح قانون گمرکی و قانون رف موانع کلّی این معاونت موضوع سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در اولویت کاری خود قرار داده است.

بودجه ۹۳ اولین همکاری کلان اقتصادی دولت و مجلس

اولین بودجه دولت یازدهم را حسن روحانی در ۱۶ آذر سال ۱۳۹۲ با رقم ۷۸۳ هزار میلیاردی تقدیم مجلس کرد تا در اولین سال تقدیم بودجه نشان دهد، وقت‌شناس است. رئیس‌جمهور در نطق خود در صحن مجلس از نمایندگان خواست که قانون بودجه سال آینده را حداکثر تا ۲۲ بهمن سال ۹۲ تدوین کنند؛ همین اتفاق نیز رخ داد و نمایندگان در فاصله دو روز مانده به ۲۲ بهمن کار بررسی لایحه بودجه سال آینده را به پایان رساندند و این خواسته رئیس‌جمهور را محقق کردند. با وجود اینکه بسیاری از

کارشناسان در انتظار اعلام نظر دولت درباره قانون هدفمندی یارانه‌ها در لایحه بودند؛ اما دولت در لایحه به این قانون اشاره نکرد و این موضوع به مهم‌ترین چالش بودجه‌ای دولت و مجلس تبدیل شد، البته نمایندگان از ارائه به موقع لایحه بودجه به مجلس و همچنین شفافیت اعداد و ارقام درج شده در لایحه استقبال کردند و از دولت خواستند تا در آینده قانون هدفمندی را نیز در لایحه بودجه سال ۹۳ پیش‌بینی کند. بر همین اساس،

همکاری برخی از وزرای بازمانده با

فتنه‌گران و مقاومت نمایندگان بر سر

جایگزینی آنها سبب مجادلات چندین ماهه

بین دولت و مجلس شد و دولت بدون در

نظر گرفتن ملاحظات مجلس هر بار اصرار

داشت که حرف خود را به کرسی بنشانند

دولتی‌ها تبصره‌ای را با عنوان اصلاحیه قانون هدفمندی یارانه‌ها به لایحه بودجه سال ۹۳ افزودند و این بار نوبت نمایندگان بود که از این قانون پرحاشیه سال‌های اخیر عبور کنند. در نهایت، در ۲۰ بهمن نمایندگان با ۱۵۲ رأی موافق، ۴۳ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۸ نماینده حاضر در صحن علنی مجلس به کلیات این طرح رأی مثبت دادند. در حالی دولت ارسال به موقع لایحه بودجه ۹۳ و ۹۴ می‌بایلد، اما متأسفانه در سال ۹۵ دولت لایحه بودجه را با ۴۲ روز تأخیر به مجلس فرستاد. این تأخیر سبب شد تا بودجه به دلیل موضوع انتخابات

نگاه دو

جدال دو محمد برای کرسی پادشاهی

محمد مرادی

علیه «محمدبن‌نایف» ولیعهد این کشور خبر داده بودند و حتی برخی گزارش‌ها تأکید داشتند که زمان این کودتا احتمالاً تابستان آینده است.

محمدبن‌نایف اما در کنار اقدامات محمدبن‌سلیمان برای کنار زدن ولیعهد، محمدبن‌نایف گزینه مورد نظر آمریکا برای پادشاهی در عربستان است. ملک سلیمان بن‌عبدالعزیز، پادشاه عربستان در سفر اخیر خود به آمریکا موضوع خلافت و جانشینی فرزندش، محمد را به جای خود با رئیس‌جمهور آمریکا مطرح



کرد، اما پاسخ رئیس‌جمهور آمریکا این بود که واشنگتن تصمیم گرفته است شاهزاده محمدبن‌نایف، پادشاه آینده عربستان پس از ملک سلمان باشد. اوپاما به پادشاه سعودی اعلام کرد، این تصمیم واشنگتن برگشت‌ناپذیر است؛ چراکه به گفته رئیس‌جمهور آمریکا شاهزاده محمدبن‌نایف سه دهه است که در رأس قدرت وزارت کشور عربستان قرار دارد و در مقابل شاهزاده محمدبن‌سلیمان هیچ تجربه‌ای ندارد و در حاکمیت و قدرت نوابست. بنابراین، با توجه به تلاش‌های گسترده محمدبن‌سلیمان برای رسیدن به پادشاهی و حمایت آمریکا از محمدبن‌نایف در این مسیر، می‌توان تابستان بسیار پرتلاطمی را در عربستان شاهد بود.

عربستان دوران گذار سختی را طی می‌کند، دورانی که می‌تواند سرنوشت پادشاهی در این کشور عربی را متحول کند. این دوران گذار بیشتر به ماجراجویی‌های منطقه‌ای عربستان و جنگ داخلی در این کشور مربوط می‌شود. عربستان که دچار «توهم قدرت» شده است، در سال‌های اخیر تلاش زیادی کرده تا این «توهم» را به واقعیت نزدیک کند؛ اما غافل از آنکه «توهم» یا «واقعیت» چندان سازگاری ندارد. در این عالم وهم عربستان تلاش کرد به مصاف قدرتمندترین کشور غرب آسیا، یعنی ایران برود. اما خیلی زود فهمید که یاری رویارویی با آن را ندارد و در نتیجه سعی کرد به متحدان یا به‌اصطلاح بازوهای ایران در منطقه حمله کند. در این مسیر سوریه مورد هدف قرار گرفت؛ اما بر خلاف انتظار سعودی‌ها این بازوی ایران با وجود گذشت پنج سال نه‌تنها قطع نشد؛ بلکه به عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی ایران نیز تبدیل شد. حزب‌الله نیز در این چارچوب از سوی عربستان مورد حمله سیاسی قرار گرفت، اما این حمله نیز مؤثر نبود. سرانجام شاهزاده‌های سعودی با «عصبانیت مضاعف» از ناکامی در برابر ایران، به یمن حمله کردند که این حمله نیز جز شکست برای عربستان هیچ دستاوردی نداشته است. از طرفی، توطئه عربستان در پایین نگه داشتن قیمت نفت، همانند سحری عمل کرده که به سحارش بازگشته و این کشور را با ۱۰۰ میلیارد دلار کسری بودجه روبه‌رو کرده است. وضعیت عربستان در منطقه بسیار بحرانی است و این کشور را در موضع بسیارضعیفی قرار داده است؛ اما جدای از این بحران، جنگ قدرت محمدبن‌سلیمان، جانشین ولیعهد و محمدبن‌نایف، ولیعهد در دربار عربستان بحران در این رژیم را دامن زده است.

محمدبن‌سلیمان

محمدبن‌سلیمان تا پیش از به قدرت رسیدن پدرش به پادشاهی، چهره‌ای ناشناخته بود. بلافاصله پس از پادشاهی ملک سلیمان، وی همه‌کاره دربار سعودی شد و در اولین اقدام به یمن حمله کرد؛ اما این تازه شروع ماجرا بود. وی در ادامه، به قلع و قمع مخالفان پرداخت و سعی کرد که رقبای او را در مسیر پادشاهی خود برکنار کند. منابع سعودی سال گذشته از احتمال کودتای پادشاه عربستان

نگاه یک

حل بحران سوریه؛ از توهم تا واقعیت

محمدرضا فرهادی

مذاکرات موسوم به تماس بین‌المللی سوریه که با حضور شورایی، چون ایران، آمریکا، سوریه و ده‌ها کشور عربی در پایتخت اتریش برگزار شد، روز سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت به پایان رسید. نقشه راهی که این گروه برای حل‌وفصل دیپلماتیک بحران سوریه ارائه داد، در ۱۸ دسامبر (۲۷ آذر ۹۴) به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسید. در آن محاصره، تضمین دسترسی ساکنان سراسر کشور به کمک‌های انسان‌دوستانه و تسریع روند انتقال سیاسی در سوریه، از جمله محورهای اصلی مورد حمایت این گروه بیان شده است.



اما در زمینه محورهای مطرح شده و مذاکره اخیر ذکر چند نکته ضروری است: ۱- در بیانیه پایانی بر نقشه راه و قطعنامه شورای امنیت تأکید شده است. قطعنامه شورای امنیت مربوط به نشست نیویورک است که اواخر پاییز ۹۴ برگزار شد و به قطعنامه ۲۲۵۴ از سوی شورای امنیت انجامید. سه مسئله عمده در این قطعنامه بررسی شد: یکی، گروه‌های تکفیری که باید با آنها مقابله کرد، شامل چه گروه‌هایی می‌شود؟ دوم، گروه مخالفان برای مذاکرات آتی کدام گروه خواهد بود؟ سوم، سرنوشت بشار اسد چه خواهد شد؟ درباره گروه‌های تکفیری فهرستی از سوی اردن تهیه شد که بیشتر گروه‌ها همچون جیش‌الاسلام و احزاب‌النام را نیز در بر می‌گرفت؛ ولی در مذاکرات سیاسی اخیر ما شاهد حضور افرادی از همین گروه‌ها به بهانه میانه‌رو بودن آنها از سوی آمریکا بودیم. حضور این گروه‌ها در مذاکرات اخیر که به نام هیئت ریاض شناخته می‌شوند، معتبر نبودن این قطعنامه را نشان می‌دهد. ۲- مسئله بعدی که مهم‌ترین چالش در همه ادوار مذاکرات سوریه بوده است، بحث سرنوشت بشار اسد است. در قطعنامه ۲۲۵۴ هیچ اشاره‌ای به کنارگیری بشار اسد از قدرت نشده بود. دلیل اصلی آن هم وتوی قطعنامه از سوی روسیه، عضو دائم شورای امنیت مبنی بر کنارگیری بشار اسد بود. روسیه همواره بر حفظ بشار اسد به‌منزله یکی از مسائل مهم در مذاکرات تأکید کرده است؛ اما در همین قطعنامه به موضوع دولت انتقالی پرداخته شده است. ۳- مسئله بعدی ترک محاصره است. آتش‌بس اخیر و وحشی‌گری گروه‌های تروریستی به خوبی پایبند نبودن این گروه‌ها به ترک محاصره و جنگ در سوریه را نشان می‌دهد. همین گروه‌ها با سوءاستفاده از آتش‌بس اخیر در سوریه، حمله‌ای